در باره تاريخ آل محمد (ص) اثر قاضي شهيد بهلول بهجت افندي

رحيم نيكبخت

تاريخ آل محمد (ص)
اثر قاضي شهيد بهلول بهجت افندي
(متولد 288 و شهيد به دست كمونيستها در سال 1350 ق)

درآمد

قفقازيه جنوبي كه در منابع تاريخي اران ناميده شده است تا پيش از جنگ‌هاي ايران و روس بخشي از قلمرو ايران بود و آنچه امروز جمهوري آذربايجان نام‌يده مي‌شود قسمتي از قلمرو ايران به حساب مي‌آمد. اين خطه در فرهنگ و تمدن اسلامي ايران جايگاه ويژه‌اي دارد شهرهاي اين سامان زادگاه شعرا، ادبا و علماي بسياري بوده است. فرهنگ اصيل اسلامي ايراني در اين منطقه تداوم داشت با سياست‌هاي ضداسلامي و ضدايراني روسيه تزاري و بعد از آن اتحاد جماهير شوروي تلاش‌هاي بسياري براي قطع رشته علايق ديني و مذهبي اين مردم شيعه با ايران صورت گرفت در اين رويارويي علما آگاه و هوشيار شيعه اين سامان در نوک پيکان حمله قرار داشتند.
در دوران تسلط كمونيسم بر شهرهاي اسلامي و ايراني قفقاز علماي بسياري به شهادت رسيد، مدارس اسلامي تعطيل گرديد، كتاب هاي اسلامي، كتاب‌هاي مذهبي و نوحه و مرثيه سوزانده شد تركيب جمعيتي اين منطقه به نفع ارامنه تغيير داده شد و ريشه‌هاي بحران فعلي قراباغ و تسلط ارامنه بر آن از آن موقع پديدار گشت.
يكي از اين علماي شهيد قفقاز شخصي به نام بهلول بهجت افندي است كه قاضي شرع شهر زنگه‌زور بوده و در دوران اختناق استاليني به شهادت رسيده است. در اين مقاله به معرفي مختصر مؤلف يک كتاب ارزشمند وي مي‌پردازيم.

شرح حال مؤلف

از نكات جالب در مورد قاضي بهلول افندي آن است كه آيت‌الله‌العظمي شهاب‌الدين مرعشي نجفي هم با وي سابقه آشنايي و دوستي داشته است بر همين اساس در سال 1362 هجري قمري در مقدمه‌اي كه بر كتاب تاريخ ‹‹آل محمد(ص)›› نوشته[1] اطلاعات ذي‌قيمتي از شرح حال مؤلف ارايه داده نوشته است:
‹‹ قاضي محمد، مشهور به بهلول بهجت افندي، فرزند قاضي محمد، متخلص به سعادت... سلسله نسبت مؤلف همچنان كه خود گفته به ابوايوب انصاري صحابي مشهور منتهي مي‌شود.››[2]
اساتيد و مشايخ قاضي بهلول به روايت آيت‌الله مرعشي نجفي چنين است:
‹‹مؤلف در علوم عقليه و نقليه و عرفان بارع بود و علم فقه را از پدرش قاضي محمد سعادت و شيخ منتجب‌الدين زنگه‌زوري فرا گرفت و علوم عقليه را از شيخ محمد شيخ‌الاسلام و شيخ محمد قاضي‌زاده بياموخت. در عرفان مشرب ملا سراج‌الدين نقشبندي را پسنديد و بر طريقت او رفت و هم از پدرش قاضي محمد سعادت و سيدابوالهدي صيادي رفاعي و شيخ‌الاسلام اسلامبول، اجازه روايت دريافت كرد و صِحاح ستّه و ساير كتب اخبار را به اجازت ايشان نقل مي‌نمود...››
قاضي بهلول سفرهايي به كشورهاي همجوار از جمله ايران هم داشت در اين سفرها با آيت‌الله مرعشي نجفي هم ملاقات‌هايي نموده است وي توضيح مي‌دهد:
‹‹ و حقير را با مؤلف چندين بار اتفاق ملاقات دست داد و در سفري كه به ايران نمود چندين بار در تبريز و

همدان او را بديدم و الحق مردي مبرز بود و در فنون بارع و در مناظرات مذهبي بسيار توا نا بـود و از حقيـر اجازت نقل كتب اخبار شيعه را درخواست كرد و او را اجازت دادم و حقير از او اجازت مفصلي راجع به نقـل كتب اخبار نبويه ايشان دريافت نمودم.››
مذهب مؤلف كتـاب تاريخ آل محمـد حنفـي بوده اسـت و آخرالامـر مذهب حنفـي را تـرک گفـته طريـقت شافعي را برگزيده بود. در طريقت و عرفـان هـم بـه سلسـله نقشـبنديه پيوسـت كه بـه شـخ بهاءالديـن نقشبند منتهي مي‌شود.
بنابر روايت آيت‌الله العظمـي مرعشـي نجـفي قاضـي بهـلول بهجـت تأليفـات بـسياري داشـته اسـت كـه نمي‌دانيم چه مقدار از آن‌ها چاپ شده و چه مقدار چاپ نشده است.
از جمله آثار او ‹‹ همين كتاب تاريخ آل محمد ـ صلي‌الله عليـه و آلـه ـ كه مي‌تـوان گـفت مايـه شـهرتش همين كتاب گرديد و الحق كتابي كم‌نظير و بسيار منصفانه›› نوشته است. آثار ديگر او عبارتند از:
‹‹ شرح عقايد عمر نسفي و ديگر مئه‌يوم (صدروز) يا يوزگون در وقايع صفين، ديگر آثار وي رساله در ارث و ارشاد حمزوي و حجربن عدي كه از اصحاب اميرالمؤمنين علي‌بن‌ابي‌طالب(ع) بود و مؤلف تـاريخ زندگانـي و كيفيت شـهادت او را نـظم نمـوده اسـت و ديـگر حاشيه بـر تفسـير بيضـاوي و كتـاب الـودود و النـقود در مناظرات مذهبي، ديگر رساله در نام‌هاي كساني كه از علماي عامه قضـيه سـوزاندن درب خانـه صـديقه طاهره را متعرض شده‌اند* و رساله در شرايط طريقت نقشـبندي و رساله در لـزوم مسح پا و ديگـر آثار آذربايجـان و رسـاله در اعـراب كلمـه توحيـد و كتـابي در شـرح مسـلک دموكراسـي و اعتـدالي و سـاير مسالک.››
دوران حيات قاضي بهلول بهجت افندي مقارن با روزهاي پرآشوب قفقاز انقلاب بلشويكي و تشكيل اتحـاد جماهير شوروي سوسياليستي و نظام ماركسيستي در آن نواحي بود كه مخالفت شـديدي بـا اسـلام و عقايد مذهبي مردم به ويژه علماي اسلامي داشت به روايتي قاضي بهلول هم از جملـه علمـايي اسـت كه در دوران سركوبي شديد حركت‌هاي اسلامي در قفقاز در عصر استالين به سال 1350 هجـري قمـري به دست كمونيست‌ها به شهادت رسيده است. قاضي بهلول:
‹‹ بسيار مرد بلند طبع و پاک‌دامن و دلير، خوش‌خوي و گشاده‌رويي بود و قامتي زيبا و خوش‌منظر داشت و شيرين‌بيان و تنومند بود؛ و در سال 1350 بنابر نقل بعضي از ثقات از دنيا رفت و چنين گويند كـه او را بـه قتل رسانيده‌اند از وي سه پسر و يک دختر به نام بهاءالدين و عبدالله و علي جمال‌الدين و فاطمه بر جاي ماند...››*
قاضي بهلول علي‌رغم آن كه سني مذهب بود علايق شيعي خود را مخفي نمي‌كرد. در تأليف اين اثر كه خود كتاب مهمي است با ادله تاريخي و عقلي به اثبات حق اهل بيت عصمت و طهارت پرداخته است.

تاريخ آل محمد(ص) يا تشريح و محاكمه
اين كتاب براي نخستين بار در سال 1341 هجري قمري در تبريـز به شكل جـالبي بـه چاپ رسـيد. متـن اصلي كتاب به تركي آذري در نيم صفحه بالا و ترجمه فارسي به قلـم مـيرزا مـهدي اديـب تبريـزي در نـيم صفحه پائين چاپ شده است. لازم به ذكر است ترجـمه فارسـي ايـن كـتاب پـس از ايـن تـاريخ بـا مقدمـه آيت‌الله سيدمحمود طالقاني بارها به چاپ رسيد.*
آيت‌الله سيدمحمود طالقاني در مقدمه‌اي كه بر اين كتاب نگاشته در مورد اهميت اين كتاب نوشته است:
‹‹ ... از افق ديگر اسلامي ‹‹سرزمين ترک››همين كتاب است كه دانشمند بزرگ تـرک، بـراي خـدمت بـه جامعه اسلامي و بركندن ريشه نفاق، به جهـان مسـلمين بذل نـموده و با روش محكـم و متيـن خود در تاريخ ائمه شيعه ـ اين گزيده‌گان الهي ـ محاكمه كرده و به اين نتيجه رسيده كـه نقطـه و مـاده اختـلاف و تشتت كه در اثر آن بغض و كينه و در اثر آن ضعف و زبوني پيش آمده اغماض از مقام ائمه شـيعه اسـت و چنين رأي داده كه از همين جا بايد چاره شود و همين مورد بايد با نظر پاک و بي‌عصبيت رسيدگي گردد و چون اين دانشمند داراي روح قضايي بوده با رأيي پاک به سبک قضايي در اين مورد حياتي، قضاوت حق و عادلانه نموده‌اند؛ از همين جهت بسيار مورد توجه سران و دانشمندان گرديد...››.
آيت‌الله طالقاني مبارز نستوه همچنين متذكر شده‌اند كه:
‹‹اينک چون اين كتاب ‹‹محاكمـه در تـاريخ آل محمـد عليهم‌السـلام›› شخصـيت نويـسنده‌اش برجسـته و گفتارش حجت و نيتش پاک بوده و نسخه اين كتاب كمياب است به علاوه تركي آن با ترجمه فارسي كـه به قلم آقاي مهدي اديب است ـ كه معلوم است هيچ منظوري جز خدمت به حقيقت نداشته‌اند ـ يـک جا طبع شده براي كمک به همان مقصود و هدف مستقلاً به چاپ آن اقدام شده.››*

قاضي بهلول در يک مقدمه مفصل نخست به نقد و بررسي تواريخ موجود مي‌پردازد. او از اين که در مورد آل سلجوق، آل بويه و آل عثمان کتاب‌هايي تأليف شد، ولي در مورد آل پيامبر(ص) کتابي چنين تأليف نشده اظهار تأسف مي‌کند و سيري در تاريخ‌نگاري اسلامي با گريز به عملکرد برخي صاحبان حديث از تحريف تاريخ اسلامي مي‌گويد غايت و هدف او از تحرير اين کتاب اين است که:
«... امت مرحومه محمدي(ص) حالياً به دو فرقه مهمه انقسام يافته، شيعي و سني، جماعت شيعي به تاريخ آل محمد علاقه‌دار ولي سني‌ها به جانب تفريط رفته‌اند در حالي که مابين برادران اسلامي غير از همين ماده سببي ديگر به اختلاف و افتراق پيدا نيست بنده در ميان هر دو برادر عزيز و گرامي خود ايستاده دست به هر دو دراز نموده ايشان را به يک نقطه تلاقي و اتحاد مي‌کشم تا با ادراک اين که مابين دو برادر هيچ‌گونه سببي به افتراق و اختلاف موجود نيست اتحاد کرده و اگر اتفاق امت امري لازم است فقط در دايره اهل بيت طاهره دچار تفرقه نباشند چون امت مرحومه در مسئله اهل بيت محمد (ص) تا حالا اختلاف پيدا نموده لازم است در اطراف همين نسل پاک نيز دست اتحاد به هم دهند... (ص 42 ـ 41).
منظور نويسنده از اهل بيت محمد(ص)، حضرت اميرمؤمنان علي‌بن‌ابي‌طالب و نور ديده رسول خدا(ص) فاطمه زهرا عليهااسلام و دو نور ديده ايشان که به نام نامي آل عبا معروف هستند و امامان و دوازده‌گانه از آن نسل پاک مي‌باشد. (ص 43).
قسمت عمده اين کتاب يعني از صفحه 43 الي 210 به تشريح و محاکمه قضاياي تاريخي بعد از وفات پيامبر اکرم (ص) و موضوع خلافت امير مؤمنان اختصاص دارد. شرح حال « جگرگوشه رسول خدا فاطمه زهرا» بحث بعدي اين کتاب ارزشمند است اولين بحث اين قسمت سرگذشت فدک است و با ادله تاريخي حقانيت حضرت زهرا(ص) در آن را با استناد به منابع اهل سنت به اثبات رسانده است.
سرگذشت امام حسن(ع) از صفحه 224 الي 232، امام حسين(ع) از صفحه 232 الي 245، امام رابع امام سجاد(ع) از صفحه 245 الي 249، امام خامس امام محمدباقر(ع) از صفحه 249 الي 251، امام سادس امام جعفر صادق از صفحه 251 الي 258، امام هفتم امام موسي کاظم(ع) از صفحه 259 الي 262، امام هشتم امام رضا(ع) از صفحه 262، شرح ائمه بعدي امام محمدتقي(ع)، امام علي‌النقي(ع)، امام حسن عسگري(ع)، امام عصر(عج) به طور خلاصه مرور شده است.
چنان که از تقسيم‌بندي صفحات اين کتاب برمي‌آيد قاضي بهلول حدود هشتاد سال قبل به منظور ارايه يک حبل متين وحدت آفرين به بررسي ادله تاريخي در احقاق حق اهل بيت(ع) مي‌پردازد که رکن رکين اين حبل متين مولاي متقيان(ع) و حضرت زهرا(ص) مي‌باشند و معتقد است همچنان که افتراق جامعه اسلامي از اختلاف بر سر ميراث زهرا(ع) و خلافت علي(ع) آغاز شد وحدت اسلامي نيز بايستي از فاطمه و علي شروع شود. او که خود قاضي شرع است تاريخ اسلام و روايات را به محاکمه مي‌کشاند گرچه پيش از وي بزرگاني چون قاضي نورالله شوشتري و بعد از وي علامه اميني صاحب کتاب سترگ الغدير از منظرهاي ديگر به طرح اين محاکمه تاريخي پرداخته‌اند اما وجه تمايز کار قاضي بهلول در آن است که وي به عنوان يک عالم سرشناس شافعي دست به چنين محاکمه و دفاعي زده است.
[1] اين مقدمه بر چاپ کتاب «تاريخ آل محمدص» که توسط ميرزا نصرالله مهرخوان مدير کتابفروشي فردوسي مشهد منتشر شده و نگاشته شده است.
[2] لازم به ذکر است در معرفي کتاب «تاريخ آل محمد» اثر بهلول بهجت افندي که مرحوم مشار در جلد اول فهرست کتاب‌هاي چاپي فارسي نگاشته‌اند به جهت تشابه اسمي بهجت افندي با شيخ محمد بهجت بيطار دمشقي اشتباهي صورت گرفته و آن اين که عنوان بيطار دمشقي در ادامه نام قاضي بهلول بهجت افندي ذکر گرديده است. (ج اول، ص 1352). در حالي که مي‌دانيم «علامه شيخ محمد بهجت بيطاردمشقي، محدث، مفسر، متکلم مشهور شام و صاحب کتاب نقدالميزان از اعضاي مجمع علمي ادبي عربي بوده است. علي رفيعي شهاب شريعت (درنگي در زندگي حضرت آيت‌الله مرعشي نجفي قم کتابخانه آيت‌الله مرعشي نجفي، چاپ دوم، 1381، ص 0188) متأسفانه اين اشتباه در جلد چهارم دايرةالمعارف تشيع ذيل مدخل «تاريخ آل محمد(ص)» به قلم آقاي محمدحسين روحاني، نيز تکرار شده است. (دايرةالمعارف تشيع، ج4، تهران، نشر شهيد سعيد محبي، 1375، ص028)

* آيت‌الله مرعشي نجفي تصريح مي‌کند: مؤلف اين رساله را به خواهش وي تأليف نمود.
* قاضي بهلول بهجت افندي، تشريح و محاکمه در تاريخ آل محمد(ص)، تهران، مرکز چاپ و نشر بنياد بعثت، چاپ دوم، 1376، صص 18 ـ 17.

* مرحوم خانبابا مشار در فهرست كتاب‌هاي چاپي فارسي آخرين چاپ آن كتاب را در سال 1375هـ. ق چاپ هفتم و در قطع رقعي قيد كرده است. (ج 1، تهران، 1350، ص 1352).
‹‹ بهلول بهجت افندي، مشهور به قاضي محمد زنگه‌زوري، بيطار دمشقي، ترجمه اديب‌زاده از تركي:
تبريز 1301ش، 1341ق، سربي، رقعي 288، ص
تهران 1363ق، سربي، رقعي 142+ 23ص
تهران 1363ق، سربي، رقعي، چاپ چهارم، 200+ 35 ص با قصه زيد و زينب در يک جلد
مشهد 1362ق، سربي، رقعي، چاپ ششم، 142ص
تهران 1375ق، سربي، رقعي، چاپ هفتم، 143ص››
آخرين چاپ ترجمه فارسي اين اثر نيز در سال 1376 توسط بنياد بعثت صورت گرفته است. ضمناً اين چاپ دومين چاپ اين بنياد از اين كتاب ارزشمند است.
* مرحوم آيت‌الله طالقاني در 20 جمادي الاولي سال 1363 قمري مقدمه اي براي ترجمه فارسي اين اثر نوشته است

http://www.historylib.com